

نویسنده: پل ادواردز «Paul Adwards».

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2024-03-23».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

سورپرایز امپراتوری

The Empire's Surprise

مطبوعات آمریکا به سخنوری برای فریب تبدیل شده اند. فروپاشی این امپراتوری اجتناب ناپذیر است.

*The American press, has become a mouthpiece for deceit.
The collapse of this empire is inevitable.*



وقتی نوبت به انواع تاکتیک‌هایی می‌شود که برای شکستن و نابود کردن کشورهایی که سعی در امتناع از سلطه استکبار خود دارند، آن را به امپراتوری سرمایه‌داری بسپارید.

مطمئناً، حمله و ویرانی نظامی اخیراً مهم‌ترین مورد است البته به ویژه آنهم - در افغانستان، عراق، سوریه و اوکراین - و این شکست‌های فاجعه‌آمیز و ناگوار، پول‌سازان بزرگی برای ماشین جنگ بودند. دستگاه فرماندهی و کنترل ما، که با خنده به عنوان

«دموکراسی ما» از آن یاد می‌شود، کاملاً تحقیر کننده شهروندان لوبوتومی شده و از نظر اخلاقی مرده خود است، کاری را انجام می‌دهد که دایره داخلی صاحبان سرمایه دار آن برای به حداکثر رساندن سود خود نیاز دارند، و از دست دادن «جنگ‌ها» هیچ نتیجه‌ای ندارد. مسلماً در آن سود بیشتر از برنده شدن آنها وجود دارد، هرچه که باشد. در هر صورت آنها پول نقد می‌گیرند و کشته شدن پسران آمریکایی برای آنها اهمیتی ندارد.

بنا بر این، «جنگ» در رأس فهرست تاکتیک‌های خود قرار دارد، اما نه به استثنای ابزارهای مؤثر دیگر برای نابودی کشورهای کوچک برای غارت. کل آمریکای مرکزی و جنوبی را برای همیشه در معرض قلدری و خشونت قرار داده است، و به زشت‌ترین فاحشه‌ها در "نخبگان" خود قدرت می‌دهد تا آنها را به عنوان مناطق استخراج و فاحشه‌خانه‌های پول برای بانک‌های امپراتوری و دزدان دریایی شریک اداره کنند.

این کشور از سیا «سی‌ای‌ای» خود - از بدنه ناخوشایند روانی‌های بیمار و بد اخلاق - استفاده کرده است تا این بدگویی را تسهیل کند، و هر جا که لازم باشد، قاتلان را استخدام کند تا هر کسی را که در فهرستی از کشورها در سراسر جهان مقامت می‌کند، بیرون بیاورد. حتی این شکل از تخریب را امتحان کرد، و تقریباً موفق شد، تلاش کرد روسیه غول پیکر را به گدایی و ویرانی تبدیل کند، اما، همانطور که معلوم شد، فراتر از توانایی آن بود.

اخیراً، امانونس‌های امپراتوری، «مطبوعات آزاد» آن، که مدت‌ها به حیرت‌انگیزی تبدیل شده بود، با جدیت به ما خوانندگان و ناظران مرگ مغزی توصیه می‌کردند که هائیتی در حال فروپاشی در هرج و مرج است زیرا دولت قانونی آن توسط باندهای خشن و غارتگر سرنگون شده است. ای‌وای!

یکی از شگفتی‌های واقعی دفتر تبلیغات امپراتوری - یعنی «مطبوعات آزاد» - این است که چگونه یاد گرفته است آنچه را که گزارش واقعی از یک رویداد وانمود می‌کند انجام دهد و در عین حال هر چیزی را که ممکن است حقیقت موضوع را منتقل کند کنار بگذارد یا حذف کند. رسانه‌های اصلی خبری و مطبوعاتی هر روز با شفاف‌ترین و فاحش‌ترین یاهو گویی‌ها پر می‌شوند تا توده عظیمی از ساده لوح‌های آمریکایی هرگز درباره هر چیزی که مربوط به آنها می‌شود آگاه نشوند.

داستان فساد و تجزیه مطبوعات آمریکایی به جسد متعفن و معطر آن طولانی و تلخ است، که پس از ویتنام شدت گرفت، جایی که برخی از دانشمندان جوان در تجارت هنوز بر گفتن حقیقت اصرار داشتند - به ویژه براون، هالبرستام و شیهان. این پافشاری حفره‌های واقعاً خیره‌کننده و ویران‌کننده‌ای را در سنگ اندازی دروغ‌های کچل و بدبینانه ایجاد کرد که ارتش و وزارت امور خارجه برای دفاع از غیرقابل دفاع از آن استفاده کردند، دقیقاً مانند کاری که اسرائیل نازی صهیونیستی اکنون انجام می‌دهد تا قتل نژادی خود را در غزه پنهان کند و نشان داد. برای چیزی که بود.

هنگامی که سای هرش جوان داستان وحشت دیوانه وار قتل‌های مای لای را منتشر کرد، چهره جعلی این امپراتوری دروغگو در چشمان همه جهان شکسته شد. هرش، یکی از بزرگان واقعی تجارت، مدت‌هاست که از همه رسانه‌های اصلی اخراج شده است، به عنوان ذهن و صدایی که صداقت خود را به الزامات تحقیرآمیز و رسواکننده نمایش رسمی سگ‌های روابط عمومی و پونی زشت، تحقیرآمیز و رسمی ما فا حشه نمی‌کند.

ویلیام شیرر در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به طور افشاگرانه درباره این تسلط بر تجارت خبری آمریکا نوشت، و یک مستند جامع و معتدل از متأسفانه روزنامه‌نگاری روزنامه‌نگاری آمریکایی اکنون در زندگی نامه پاتریک لارنس، «روزنامه نگاران و سایه‌های آنها» منتشر شده است.

پوسیدگی مطبوعات ما تاکتیک‌های نرم امپراتوری را از طریق کارهای آرایشی‌اش قادر ساخته است - شبیه به رنگ آمیزی سفت و عطر توسط یک متصدی - برای تزئین و خوشایند شرارت شریر و غیرانسانی که امپراتوری با آن از بین برده و خونریزی کرده است. کل مردم کوبا، در آن فهرست، و هند وراس، گواتمالا، نیکاراگوئه، و همین‌طور دیگر به این فهرست تعلق دارند، اما هیچ‌کدام به اندازه هائیتی که امپراتوری اکنون در مورد آن ناراحتی دخترانه پیر را ابراز می‌کند مورد حمله و تجاوز جنسی قرار نگرفته است که به چنین شکست غیرقابل توضیحی رسیده است.

همان قدر که آمریکایی‌ها از نحوه عملکرد کشورشان امروز اطلاعی ندارند، کمتر، تقریباً هیچ چیز از تاریخ واقعی خود نمی‌دانند، و آنچه را که شناخته شده است، به عنوان تهدیدی جدی برای عزت نفسشان به عنوان تهدیدی جدی به عنوان تهدیدی جدی برای خود ممنوع می‌کنند. در اوایل قرن بیستم، آمریکا - پیش از امپراتوری - کل دریای کارائیب را مورد قلدری، ضرب و شتم و وحشیانه قرار داد تا اینکه تمام آن جزایر و کشورهای کوچک را به چاله‌های پول اربابان سرمایه داری تبدیل کرد. یونایتد فروت مالک کل کشورها بود، مثل بارون‌های مختلف نفت و شکر و کفتارهای بزرگ بانکی.

از میان همه آن ایالت‌های غارت شده و غارت شده، هیچ‌کدام به اندازه هائیتی مورد تجاوز قرار نگرفت، زیرا مردم آن سیاه پوست بودند، بنابراین گوشتی برای لینچ کردن توسط منافقان نژادپرست مقدس ما. تفنگداران دریایی آن را تبدیل به فاحشه‌خانه و چمدانی برای بی‌رحم‌های سرمایه دار ما کردند و آن را به عنوان مدیر عامل دزدان دریایی سفید پوست مالی به پایا داک شرور و فاسد واگذار کردند. هنگامی که او در نهایت دويد تا در ریویرا بیوسد و تلاش‌هایی برای استقلال توسط میهن دوستان انجام شد، بانک‌ها و غول‌های «بازار آزاد» صاحب خود - من و شما، من در مورد آن صحبت می‌کنم - آنها را در هم شکستند و هرج و مرج و سرقت را دوباره تحمیل کردند.

امپراتوری نقش پست امپراتوری که در همه جا شرم آور و هولناک بود، تا به امروز هیچ جا بدتر از هائیتی نبود. و حالا، این پانجاندروم‌های امپراتوری در حال فروپاشی احمقانه و پیر، مرواریدهای خود را چنگ می‌زنند و اسفناکترهای خود را بر این ناخوشایند ناگهانی و پیش‌بینی نشده که نمی‌توانند درک کنند، می‌فشارند.

این البته جای تعجب ندارد. آنها در توهم هژمونی که آرزوی آن را دارند و برای همیشه از دست داده اند، چیزی جز وحشیگری و جنایت نمی‌فهمند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

پل ادواردز نویسنده و فیلمساز اهل مونتانا است. با او می‌توانید در:
hgmnude@bresnan.net تماس بگیرید

----- **با تقدیم احترامات «2024-03-23»**